

نقش آیت الله حکیم در گسترش شیعه

أمل الحکیم

چکیده

مقدمه

تاریخچه‌ی مرجعیت شیعه

سیر تدریجی حوزه‌های دینی عراق

سیدمحسن حکیم، زعیم شیعه

نقش آیت الله حکیم در گسترش تشیع

الف. فعالیت‌های داخل عراق

۱- ایجاد تحول در حوزه‌ی نجف اشرف

۲- افزایش شمار طلاب حوزه‌ی نجف اشرف

۳- توسعه‌ی سازمان وکالت

۴- برپایی مراسم مذهبی

۵- کردها، فرزندان عراق

۶- تأسیس کتابخانه‌ها

ب. فعالیت‌های خارج از کشور

۱- تأسیس بعثه‌ی حج

۲- نگاه ویژه به علویان

۳- توجه خاص به مسئله فلسطین

۴- قضیه‌ی سید قطب

۵- سید حکیم و انقلاب اسلامی ایران

۶- مسافرت‌های سید حکیم

نتیجه

منابع

چکیده

مذهب شیعه تاریخی به درازای تاریخ اسلام دارد و در طول حیات پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله وسلم و پس از آن، به عنوان جمعیتی ممتاز در جامعه شناخته شدند. مرجعیت به اصطلاح امروزی که در عصر خود ائمه اطهار علیهم السلام نیز وجود

ص: ۱

داشته است، اما با آغاز غیبت امام زمان علیه السلام وارد مرحله جدیدی شد. در طول تاریخ شیعه از آن زمان تا به امروز بزرگان فراوانی به عنوان مرجع شیعیان شناخته شده اند. از جمله کسانی که در دوران معاصر نقش برجسته ای در پیشبرد مکتب شیعه داشته است، بزرگ مرجع شیعه مرحوم آیت الله سید محسن حکیم است. آنچه در این نوشتار به دنبال آن هستیم، آشنایی با فعالیت های مرحوم حکیم در این باره است.

مقدمه

از زمانی که شیعه خود را شناخت، یافت که همواره از نظر کمیّت اقلیت را تشکیل می دهد. هر چند که از لحاظ کیفی در بالاترین درجه از غنی قرار دارد.

از بعد از رحلت پیامبر اسلام صلی الله علیه و آله وسلم و اختلاف امت، شیعه با تأسی از مقتدایش امیرالمؤمنین علیه السلام راه های مختلف در صدد حفظ شریعت ناب برآمده و در این راه مقدّس جانفشانی و فداکاری بسیاری نموده است.

در زمان حضور ائمه (علیه السلام) شیعیان هنگام بیوز معضل و مشکلات به ملجأ خود پناه برده و راهکار آن را از ایشان جویا می شدند.

اما با فرا رسیدن زمان غیبت کبری شیعه وارد مرحله ی جدیدی شد. آن ها باید بیش از پیش تلاش کرده و برای حفظ دین و نشر معارف حق گام های بزرگ تری بردارند. لذا علمای شیعه در عرصه های مختلف درخشیدند و خدمات بسیاری را به اسلام راستین تقدیم نمودند، که برخی از این اقدامات به عرصه ی ظهور رسیده و بر همگی آشکار گشته اما برخی دیگر نهفته و مخفی باقی مانده است.

از علمای بزرگی که به تشیع خدمات وافری تقدیم نموده است زعیم شیعه آیت الله سید محسن حکیم (ره) می باشد که در عراق به عنوان مرجع مطلق و عام شیعیان موسوم بود.

هرچند که در زمان این بزرگوار برای حفظ و گسترش مذهب تشیع اقدامات بسیاری از جانب وی صورت گرفته است اما به دلایلی از جمله فشار حکومت های پی در پی متعصّب مانع از ابراز چنین عملکردهای ثمربخش شده است، و تنها

فتوای مشهور ایشان مبنی بر تکفیر کمونیست زبانزد خاص و عام شده است. در ای تحقیق سعی شده که مهم تیرن نقش‌های ایشان در گسترش تشیع ارائه گردد تا شیعیان و مقلدان از آن‌ها مطلع شوند و همواره بر وجود مجتهدان حافظ حوزه و مذهب به خود بیالند و خدا را سپاس گویند که چنین نعمتی بر این مذهب حق ارزنی داشته است.

تاریخچه‌ی مرجعیت شیعه

مرجع در لغت اسم مکان از «رج علیه‌السلام» به معنای بازگشت می‌باشد، بنابراین مرجع یعنی محلّ بازگشت. [۱]

همچنین مرجع در اصطلاح به مجتهدی گفته می‌شود که مردم در عبادات و معاملات خود به او رجوع می‌کنند. [۲]

استعمال کلمه‌ی «مرجع» و «مرجعیت» ظاهراً از مستحدثات و ابتکارات امت اسلامی بلکه شیعه می‌باشد و در گذشته و در زمان حیات ائمه علیهم السلام، عنوان «فقیه» و نیز «مجتهد» کاربرد بیشتری داشت.

در زمان حضور امامان علیهم السلام مرجع حقیقی مردم در تمام امور، ایشان بوده اند و شاگردان برجسته و والامقام ایشان سمت وکالت و فقیه داشتند و مروج کلام آن بزرگان بوده‌اند.

اشخاصی همچون «شعیب بن یعقوب»، «أبوبصیر» [۳]، «عبداله بن ابی یعفر» [۴]، «محمد بن مسلم» [۵]، «یونس بن یعقوب»، «علی بن مسیب»، «زکریا ابن آدم» [۶] و... در همان زمان زندگانی امامان علیهم السلام از طرف ایشان به عنوان فقیه مقلد معروف بوده و به دستور امام خود بیان احکام شرعی و فتوا دادن را بر عهده داشتند و مردم مقلد آنان بوده‌اند. اما با آغاز غیبت کبری و حضور نیافتن امام علیه‌السلام در جامعه و پایان نیابت خاصه نیاز به مرجعیت فقها احساس شد و فقیهان بزرگ شیعه نیز این مسئولیت را بر دوش گرفته و در تمام ادوار زندگانی خود در حفظ و ترقی آن به کمال سعی و تلاش وافری به کار بستند، از این فقهاء برجسته می‌توان اشخاص زیر را نام برد:

ص:۲

۱- علی بن بابویه قمی (شیخ صدوق) که به صدوق اول مشهور است. او با اینکه در همان سال آغاز غیبت کبری از دنیا رحلت گزید اما در همین مدّت اندک قبل از وفات به عنوان مرجع عالیقدر شیعیان به شمار می‌رفت.

۲- حسن بن علی بن ابی عقیل عمانی که در عراق مقام مرجعیت داشت و در سال ۳۴۰ هجری از دنیا چشم فروبست.

۳- محمد بن حسن بن احمد که از مراجع بزرگ قم بود و سال وفاتش را ۳۴۳ قمری ذکر کردند.

۴- احمد بن محمد شیبانی - رازی: در عراق مرجع بود و در سال ۳۶۸ قمری وفات یافت.

۵- جعفر بن محمد (ابن قولویه): از مراجع برجسته‌ی قم بود که سال وفات وی را ۳۶۹ قمری گفتند و... [۷]

سیر تدریجی حوزه‌های دینی عراق

اصطلاح حوزه دینی هرچند که از واژه‌های جدید است اما مصداقیت و تشکیل آن در همان عصر اول اسلام به چشم می‌آید.

در زمان حضور پیامبر صلی الله علیه و آله و سلم مدینه پایگاه اصلی تعلیم و نشر معارف اسلامی بود و صحابه برجسته به تعلیم قرآن و احکام شرعی می پرداختند و بدین ترتیب شکل اولیه ی حوزه ترسیم شد. حوزه ی مدینه در زمان امام باقر و امام صادق علیهما السلام رونق بسیاری داشت و هزاران دانش پژوه از محضر آن بزرگواران بهره می بردند، اما پس از شهادت امام صادق علیه السلام فرزند بزرگ ایشان امام موسی بن جعفر علیه السلام اغلب عمر پر برکت خود را در زندان های هارون الرشید، خلیفه ی عباسی در بغداد سپری کرده و در همان سیاهچال ها به شهادت رسیدند. بدین ترتیب حوزه ی مدینه رو به افول نهاد. بعد از مدینه مهم ترین حوزه های شیعه در عراق شکل گرفت.

در عراق حوزه ی کوفه و بغداد و بعدها حوزه ی نجف و حله بیشترین فعالیت ها را در جهت رواج اندیشه های شیعی از خود نشان دادند.

کوفه در عصر فتوحات و پس از آن شاهد سکونت بسیاری از صحابیان و تابعان در خود بود و مرکز تشیع به حساب می آمد. قبل از آمدن امیرالمؤمنین علیه السلام نیز از شیعیان ایشان افرادی از قبائل مختلف شیعی که از یمن و مناطق دیگر آمده بودند وجود داشتند که هسته ی اولیه ی تشیع را در کوفه تشکیل دادند. بزرگانی از قبیل حارث بن حارث ازدی، حجر بن عدی کندی میثم تمار و رشید هجری در این شهر به فعالیت پرداخته و زمینه را برای گسترش و رواج تشیع و هجرت امیرالمؤمنین علیه السلام به آن فراهم نمودند.

با انتقال مرکز خلافت از مدینه به کوفه به وسیله امیرالمؤمنین علیه السلام تشیع در این شهر پر رنگ شده و بر اهمیت آن افزود. تعداد زیادی از اصحاب ائمه علیهم السلام در کوفه حضور داشتند که در کتاب های رجال الفهرست و الرجال طوسی و... قابل شناسایی هستند، بدین ترتیب شهر کوفه پایگاه مهم تشیع و فعالیت شیعیان گردید و اصول کلی استنباط به وسیله ایشان نوشته شد.

با آمدن آل بویه و تسلط آنان بر بغداد - مرکز خلافت اسلامی آن زمان - کم کم فعالیت های علمی کوفه به بغداد منتقل شد و دانشمندان کم نظیری در این حوزه پرورش یافتند. شیخ مفید، سید مرتضی، سید رضی و شیخ طوسی از جاودانان تاریخ هستند که در بغداد کسب علم نموده و در گسترش تشیع نقشی بس عظیم ایفا نموده اند.

زعامت بغداد را شیخ مفید و پس از وی شریف مرتضی - که از شاگردان برجسته اوست - بر عهده گرفت. بعد از رحلت سید مرتضی (۴۳۶ق) شاگرد بارز او شیخ ابوجعفر طوسی عهده دار این مسئولیت گردید.

با حمله ی سلجوقیان به بغداد و تعصب شدید آن ها، شیخ طوسی همراه عده ای از شاگردانش جوار امیرالمؤمنین علیه السلام را اختیار کرده و به نجف مهاجرت نمودند، با آمدن وی نجف قوت گرفت و مرکز مهم علوم شیعه گردید، تا اینکه مغول ها در سال ۶۵۶ قمری به بغداد حمله کرده و اوضاع عراق آشفته شد. در این موقع حله به محل امنی برای علما و دیگر شیعیان مبدل گشت و توانست عده ی بسیاری را در خود پناه دهد.

در آن جا بود که شاگردان فاضل و علمای بسیار برجسته همچون ابن ادریس، علامه حلی، محقق حلی، فخرالمحققین و سید بن طاووس درخشیدند و حله را به مرکز علمی شیعه در آن دوره تبدیل کردند. [۸]

بعد از رحلت محمد بن الحسن حلّی زعامت شیعه به جبل عامل لبنان منتقل شد و شهید اول - محمد بن جمال الدین مکی عاملی - این مهم را بر دوش گرفت.

با شهادت این عالم بزرگ و ظهور شیخ احمد بن فهد حلّی (۷۵۶ ق) در کربلا این شهر برای مدتی مقرر علم و معارف شیعی گردید تا اینکه در جبل عامل بار دیگر عالمی برخاست که شهره ی او در جهان اسلام پیچید . او شهید ثانی زین الدین بن علی عاملی (۹۱۱ ق) بود که با شهادت وی فشار بر شیعیان زیاد شد و علمای آن جا به ایران هجرت نمودند.

در قرن دوازدهم هجری قمری در کربلا سید ابوالفتح حائری زعامت دینی را در کربلا عهده دار شد. در این بقعه ی مقدس دانشمندان بسیاری ظهور کرده و هر یک به نحوی در گسترش تشیع نقش مهمی ایفا کرده اند. از این بزرگان شیخ محمد باقر بهبهانی - ملقب به شیخ وحید - شیخ یوسف حائری، شیخ یوسف بحرانی درازی سید مهدی بحرالعلوم، شیخ جعفر کاشف الغطاء و صاحب ریاض می توان نام برد.

شیخ وحید بهبهانی استاد بقیه به شمار می رفت و زمام مرجعیت به دست وی افتاد. از مدرسه ی این استاد ارجمند شاگردانی والا و برجسته برخاستند، عالمانی همچون سید محمد مهدی بحرالعلوم، سید مهدی شهرستانی، محقق کاظمی و... که در عرصه ی علم و معارف شیعی کم نظیر بوده اند. شاگردان شیخ وحید در کربلا نمانده و عازم شهرها و بلاد مختلف شدند و هر یک در زمان خود زعامت استاد را به ارث برد.

با رحلت شیخ وحید (۱۲۰۵ ق) زعامت فقهی به نجف اشرف منتقل شد که شیخ جعفر کاشف الغطاء و سید مهدی بحرالعلوم و شیخ محمد حسن نجفی و دیگر بزرگان آن را پذیرفتند.

مرجعیت در این دوره در نجف اشرف توانست طلبه های بسیاری را پرورش داده و به نقاط مختلف عالم اسلامی بفرستد و نجف اشرف خود قطب مهم تشیع و علوم شیعه از اقصی نقاط اسلام بلکه جهان گردید و محل اقامت طلاب ایرانی، هندی، خلیج و لبنان شد.

با ظهور مرجعیت سید حسن شیرازی بعد از شیخ انصاری مرجعیت نجف وارد مرحله ی جدیدی شد، ماجرای تحریم استعمال توتون و تنباکو در ایران از طرف میرزای شیرازی و پس از آن فتوای جهاد ضد استعمارگر انگلیس به وسیله میرزا محمد تقی شیرازی موجب شد تا مرجعیت علاوه بر سطح علمی برجسته، از حیث سطح اجتماعی و سیاسی نیز درخشان گردد. علمای بزرگ دیگر که ظهور کرده اند از جمله شیخ الشریعه ی اصفهانی، سید ابوالحسن اصفهانی، میرزای نائینی، امام خمینی، سید خوئی و... این روش مشارکت در امور سیاسی را ادامه دادند.

بعد از رحلت شیخ الشریعه ی اصفهانی و پس از وی شیخ نائینی مرجع اعلی و مطلق عموم شیعیان در عراق، ایران، هند و خلیج سید ابوالحسن اصفهانی گردید.

در همین دوران بود که سید محسن حکیم نیز همراه دیگر علمای اعلام در نجف فعالیت خود را آغاز کردند. [۹]

سید محسن حکیم، زعیم شیعه

سید محسن فرزند سید مهدی فرزند صالح بن احمد بن محمود طباطبائی (قدس سره) در سال ۱۳۰۶ قمری در نجف اشرف دیده به جهان گشود. این فرزند از شش سالگی طعم یتیمی را چشیده و در کنار دو برادر خود - سید محمود و سید هاشم - و با رعایت و تکفل مادر فداکار پرورش یافت.

او درس و حیات علمی خود را در هفت سالگی شروع کرده و نزد برادر بزرگ خود «سید محمود» مقدمات علوم دینی را فراگرفت. بعد از گذراندن مرحله ی مقدمات و سطوح در نجف نزد اساتید بزرگی همچون شیخ محمدکاظم خراسانی «صاحب کفایه» و بعد از ایشان شیخ ضیاء الدین عراقی و شیخ علی باقر آل صاحب جواهر و میرزا حسین نائینی (قدس سره) به تحصیل فقه و اصول مشغول شد. از اساتید برجسته ی اخلاق هم سید محسن بیشترین بهره را از محضر فقیه مجاهد سید محمدسعید حبوبی بود.

ص: ۴

سید محسن در درس و طلب علوم و معارف دینی هیچ گاه کوتاهی نکرده و به آن سفارش می کرد. در سال ۱۳۳۳ قمری با شروع جنگ جهانی اول او در صف مجاهدین علیه استعمارگران انگلیسی در کنار سید حبوبی قرار گرفت و مشارکتی فعال داشت هرچند که به دلایلی این حرکت جهادی ساکن شد و به شکست انجامید.

سید محسن حکیم پس از بازگشت از جهاد بار دیگر تمام اتمام خود را صرف درس و تدریس نمود. در سال ۱۳۳۸ قمری تدریس بحث خارج او آغاز شد. وی نزدیک پنجاه سال به تدریس و پرورش شاگردان مکتب جعفری پرداخته و توانست مکنونات علمی خود را به آن ها تقدیم و در اختیارشان قرار دهد. [۱۰]

از نخبگان مشهور که در محضر ایشان علوم دینی را فراگرفته و به شاگردی وی موسوم گشتند می توان مشاهیر زیر را ذکر نمود:

۱- سید محمدسعید طباطبائی حکیم: فرزند سید محمد علی، نوه ی دختری سید محسن است و از سوی دیگر ایشان دایی پدر سید محمدسعید می باشد و هم اکرون نیز از چهار مرجع بزرگ نجف می باشد.

۲- سید محمدعلی طباطبائی حکیم: پدر سید محمد سعید است و در نجف اشرف از مدرّسان شاخص به شمار می آمد و هم اکنون در نجف اقامت دارد، حافظه ی بسیار قوی ایشان نزد نجفیان معروف است که با وجود کهولت سن - یک قرن - اما جزئیات سال های پیش را هم در ذهن سپرده و به صورت دقیق بیان می نماید. در مسائل فلک و ریاضیات هم آوازه ی شهرت ایشان عراق را فراگرفت.

۳- سیدرضی شیرازی (ره): از بزرگان مقیم تهران می باشد.

۴- سید محمدعلی قاضی طباطبائی: که رسائل و آثار برجسته ای از جمله اجتهاد و تقلید، فصل الخطاب، المباحث الاصولیه و... برجا گذاشت.

۵- سیدجلال الدین آشتیانی: که در قم و نجف طلبه ی معروفی بود و در سال ۱۳۴۶ قمری به عنوان مدیر گروه فلسفه و حکمت دانشکده ی الهیات دانشگاه مشهد برگزیده شد. هانری کربن مستشرق معروف فرانسوی وی را «ملاصدرا ی زمان» می دانست.

- ۶- سیدعلی حسینی سیستانی که هم اکنون در نجف اشرف مرجعیت ایشان خصوصاً پس از سرنگونی رژیم بعثی و عملکرد حکیمانه‌ی وی در قبال اوضاع نابسامان عراق خیمه‌ای وسیع است که عراقیان را در خود پناه داده است.
- ۷- شیخ علی‌اکبر هاشمی رفسنجانی: که تحصیلات جدی خود را در قم آغاز کرده و در سفر کوتاهی که به نجف اشرف داشت در درس خارج آیت الله محسن حکیم شرکت جست. وی از پیش‌تازان مبارزه بر ضد حاکمیت پهلوی است. هم اکنون او سمت ریاست مجمع تشخیص مصلحت نظام را دارد.
- ۸- سیدمحمدباقر حکیم: فرزند سید محسن می‌باشد. او از پیشگامان جنبش اسلامی در عراق به شمار می‌آید و در پی شهادت سید صدر و جمعی از خاندان حکیم تصمیم به هجرت از عراق گرفت و به ایران آمد و پس از سقوط نظام بعث عراق به نجف اشرف بازگشت و سرانجام در اول رجب ۱۴۲۴ قمری پس از اتمام نماز جمعه همراه عده‌ی زیادی به شهادت رسیدند.
- ۹- سیدهاشم رسولی محلاتی: وی در قم تحصیلات علمی خود را آغاز کرده و در سفر کوتاهی که به عتبات عالیه داشت محضر اساتید برجسته‌ی حوزه‌ی نجف، سیدمحسن حکیم، سیدمحمد شاهرودی و سید خوئی را درک کرد.
- ۱۰- شیخ محمد تقی جعفری: که در تبریز به دنیا آمد و در همان شهر و تهران و قم تحصیل خود را ادامه داد و برای ادامه‌ی آموزش‌های حوزوی رهسپار نجف شد و از محضر اساتید بزرگی از جمله سیدمحمدکاظم شیرازی، سیدجمال گلپایگانی، سیدمحسن حکیم و... بهره برد. [۱۱]
- مرحوم سیدمحسن حکیم تألیفات بسیاری نیز به یادگار گذاشته که حاکی از پژوهش‌های عالمانه‌ی وی می‌باشد. از جمله:
- ۱- مستمسک العروة الوثقی: عروة الوثقی کتاب گران سنگ مرجع عالیقدر سید محمد کاظم طباطبائی یزدی (ره) است که آیت الله حکیم کتاب مستمسک را برای شرح و بسط آن تألیف کرد.
- ۲- حقائق الاصول: از اساسی‌ترین و عمیق‌ترین کتاب‌های شرح بر کفایة الاصول آیت الله آخوند خراسانی است.
- ص: ۵
- ۳- نهج الفقاهه: این اثر حکیم تعلیقات وی بر بخشی از کتاب مکاسب شیخ انصاری (ره) است.
- ۴- شرح تبصره: دربردارنده توضیحات مفصل و مستدل در برخی مباحث فقهی مهم است.
- ۵- منتخب الرسائل: این کتاب فقهی برای مقلدان غیر عرب زبان سید حکیم در کشورهای دیگر به تحریر درآمد.
- ۶- دلائل الحاج: راهنمای انجام مناسک حج زائرین خانه‌ی خدا می‌باشد.
- ۷- اصول الفقه: که به مباحث الفاظ اختصاص دارد. [۱۲]

پس از درگذشت آیت الله سید ابوالحسن اصفهانی - زعیم و مرجع مطلق شیعه ستاره ی اقبال حکیم درخشش بیشتری یافت و خصوصاً بعد از رحلت آیت الله العظمی بروجردی (ره) پایگاه مردمی ایشان به صورت محسوس گسترش یافت.

زندگی مرحوم حکیم همراه با فراز و نشیب های سیاسی بسیاری در عالم اسلامی بود، سقوط خلافت عثمانی، تجاوز انگلیس به عراق، قیام نجف، انقلاب ۱۹۲۰م، و ... در دوران حیات ایشان به وقوع پیوست . همچنین دوران حیات وی مقارن با زمامداری سه پادشاه و چهار رئیس جمهور در عراق بود.[۱۳]

نقش آیت الله حکیم در گسترش تشیع

« تردیدی نیست که حوزه های علمیه و علمای متعهد در طول تاریخ اسلام و تشیع مهم ترین پایگاه محکم اسلام در برابر حملات و انحرافات و کج روی ها بوده اند.»[۱۴] امام خمینی (ره)

مرجعیت دینی مسؤولیت های بزرگی را برعهده داشته و دارد و همواره در طول تاریخ توانسته به بهترین شکل این مهم را متحمل شده و اجرا نماید.

استنباط و ابلاغ رسالت الهی، محافظت بر آیات قرآن، هدایت مردم به سوی حق و عقائد سلیم، تزکیه و تطهیر انسان و تحقیق عزت و کرامت برای وی، تربیت جماعتی صالح که گام مهمی در سمت مرجعیت ایفا می کند، حفاظت بر آثار و مانده های اصیل اسلام و... همه و همه از وظایف این نهاد دینی است.[۱۵]

آیت الله حکیم (ره) کوشش و مساعی خود را به نجف منحصر نکرده و در سراسر عراق بلکه در کشورهای خارج اقداماتی کم نظیر برای پیشبرد دین اسلام و مذهب تشیع انجام داد.

مرحوم سید محسن حکیم بعد از رسیدن به مرجعیت مطلق به هدف انتشار تشیع اقدامات کم سابقه ای در ابعاد مختلف انجام داد و باعث پیدایی تحولات چشمگیری گردید ما در اینجا اقدامات ایشان را در دو جهت بررسی خواهیم کرد:

۱- فعالیت های داخل عراق

۲- فعالیت های خارج از کشور

الف. فعالیت های داخل عراق

مهم ترین فعالیت های مرحوم حکیم در داخل عراق عبارتند از:

۱- ایجاد تحول در حوزه ی نجف اشرف

سید محسن حکیم (ره) اهمیت فراوانی برای حوزه ی هزار ساله ی نجف قائل بود . ایشان حوزه را پایگاه انسان سازی و پرورش استادان و سربازان فرهنگی شریعت می پنداشت. از این رو نظم و نسق دادن به برنامه های درسی طلاب را در اولویت قرار داد.

به باور سید حکیم حوزه می بایست به یک دانشگاه جامع و تمام عیار دینی تبدیل شود و در این چارچوب از آنجا که حوزه‌ی نجف به مثابه‌ی حوزه‌ی مادر تلقی می‌شد ضروری بود که دستخوش تغییراتی گردد. بنابراین برای تحقق این امر در حوزه نیاز به سه بستر اساسی داشت:

ص: ۶

الف) لزوم گسترش مدارس دینی، مکان‌های آموزش و تعلیم و نیز تأمین سکونت دانشجویان علوم و معارف دینی.
ب) احداث و توسعه کتاب‌خانه‌ها و تجهیز آن‌ها به منابع دست اول و معتبر برای فراهم نمودن زمینه‌ی تحقیق و کاوش دانش‌پژوهان.

ج) افزایش تعداد عالمان و مدرّسان تا به روند تربیت و پرورش دانشجویان علوم دینی سرعت دهند و بر غنای تدریس افزوده گردد.

برای تحقیق این اهداف نیاز به زمان و شرایط مناسب بود، سید حکیم به منظور نیل به این نتایج روند اصطلاحی خود را در پیش گرفت و پیش‌نیازهایی را برای درک این هدف لازم دید و برای آن‌ها چاره اندیشید.

پیش از آغاز زعامت ایشان در حوزه اختلافاتی وجود داشت. با روی کار آمدن عبدالکریم قاسم که بر علیه رژیم پادشاهی کودتا کرده بود عمر سلطنت پادشاهی به سر آمد و حکومت جمهوری جایگزین آن گردید. قاسم میانه‌ی چندان خوبی با شیعیان نداشت، و از سویی فعالیت کمونیست‌ها با روی کار آمدن قاسم در عراق بسیار گسترش یافت. در این برهه شاهد ترویج دیدگاه‌های اباحه‌گری و تقویت آن از طرف دستگاه‌های تبلیغاتی حکومت هستیم. برخی از سخنگویان قاسم بر ضرورت تفکیک دین از سیاست، لزوم جایگزینی افکار سکولاریستی نو به جای اندیشه‌های سنتی تأکید می‌کردند. در همین راستا درهای دانشگاه‌های شوروی و تعدادی از کشورهای کمونیستی به طرز سخاوت‌مندانه‌ای به روی دانشجویان و جوانان تحصیل‌کرده و مستعد گشوده شد. [۱۶]

در چنین هنگامه‌ای حوزه‌ی نجف که خطر را با روشن بینی عالمانه حس کرده بود بر جنب و جوش خود افزود. سید حکیم در رویارویی با قاسم ابتدا برای او از باب نصیحت نامه‌ای نوشت و از او خواست که براساس عدالت حکمرانی نماید و به او یادآور می‌شود که عدل رکن اصلی حکومت است. در بخش دیگر از نامه به قاسم سفارش می‌کند که در مسیر تعالیم اسلام و هدایت قرآن حرکت کند و از سرنوشت پیشینیان عبرت بگیرد. قاسم هم در پاسخ اظهار امیدواری کرد که برای برپایی عدل از هیچ اقدامی دریغ نرزد. اما طولی نکشید که آن پاسخ فراموش شد. قاسم دست کمونیست‌ها را بازگذاشت و به آن‌ها کهک‌هایی هم می‌کرد. مارکسیست‌ها و کمونیست‌ها بسیاری از مردم را با شعار تساوی گمراه کرده بودند. آن‌ها حتی شیوعیه (کمونیستی) را همان «شیعه» وانمود می‌کردند و در جامعه‌ی عراقی به خصوص در شهرهای مذهبی بی‌بند و باری و فساد عظیمی ایجاد کرده بودند.

پس از بارها تلاش مرجعیت برای خاموش کردن حرکت آن‌ها و تلاش کمونیست‌ها برای گسترش فحشا و گمراهی، مردم سرانجام سید حکیم در پاسخ به سؤال یکی از مقلدان در خصوص پیوستن به حزب کمونیست فرصت را برای وارد کردن ضربه‌ی مهلک بر کالبد کمونیسم مناسب دید و فتوای واضح و روشن صادر کرد. «بسم الله الرحمن الرحیم: پیوستن

به حزب کمونیست جایز نیست، زیرا این کار کفر و بی دینی و موجب گسترش کفر و بی دینی است. خداوند شما و همه‌ی مسلمانان را از این امر در پناه خود حفظ کند و برایمان و تسلیم شما بیفزاید. و السلام علیکم و رحمۃ الله و برکاته.»

«۱۷ شعبان ۱۳۷۹ ق - محسن الطباطبائی الحکیم»

بغض مسلمانان با این فتوای کارساز ترکیب و طیف گسترده ای شامل ملی گرایان و اهل سنت از اقدام زعیم بزرگوار به گرمی استقبال کردند. بعضی از گروه‌های محافظه کار از این فتوا به عنوان ابزار کارساز و اسلحه ی آتشین برای تقویت موقعیت خود استفاده کردند.

گفتار سید محسن حکیم (ره) راه را برای بیان نظر سایر مراجع مقیم نجف گشود، شیخ عبدالکریم جزائری، سید عبدالهادی شیرازی، سید محمود شاهرودی، سید ابوالقاسم خوئی، سید محمد جواد تبریزی، محمدعلی طباطبائی و عبدالکریم زنجانی همگی در تأیید دیدگاه سید حکیم م وضع شرع را اظهار داشتند. از علمای اهل سنت هم نجم الدین واعظ، ملا صالح عبدالکریم، جمیل مفتی، عمر عبد العزیز، نیز فتوا صادر کردند، به دنبال اعلام نظر مراجع مردم به تبلیغات دروغین کمونیست‌ها پی برده و بسیاری از آن‌ها دوباره به آغوش اسلام بازگشت و چنین شد که پا یه‌ی کمونیست سست شده و بنیان وسیع آن‌ها منهدم گشت. در عوض بنیاد حوزه تقویت شد و شور و نشاط و تحرک را به آن بازگرداند. [۱۷]

۲- افزایش شمار طلاب حوزه‌ی نجف اشرف

ص: ۷

در آغاز زعامت سید محسن تعداد طلاب عراقی حوزه کمتر از صد تن بود و این با جمعیت عراق بسیار فاصله داشت. طلاب دیگر هم به طور محدودی در حوزه به تحصیل آمده بودند، با روی کار آمدن مرحوم حکیم این ارقام به سرعت رو به فزونی نهاد: شمار طلاب افغانی از ۷۰ نفر به ۱۵۰۰ نفر رسید. طلبه‌های لبنانی هم که ۹ یا ۱۱ نفر بودند به ۲۰۰ طلبه افزایش یافتند. طلاب عراقی از سی نفر به ۷۰۰ نفر رسیدند، این وضعیت در خصوص طلبه‌های هندی، پاکستانی، کشورهای حاشیه‌ی خلیج فارس و جاهای دیگر نیز حاکم بود. [۱۸]

مرحوم حکیم مایل بود درهای حوزه ی نجف به روی تمام علاقه مندان و شیفتگان علوم اسلامی با هر گرایش مذهبی گشوده باشد و برای دانش جوین معارف دینی در خارج نیز فرصت بهره بردن از علوم بی کران اهل بیت عترت علیهم السلام فراهم آید. از این رو طلبه‌هایی که به حوزه‌ی نجف آمده‌اند باید آموزش‌های لازم را برای نشر علوم الهی در نقاط مختلف جهان ببینند.

گفتنی است که مرحوم حکیم، اولین مرجعی در عراق بود که برای سایر طلبه ها شهریه مقرر فرمود. تا قبل از این اقدام شهریه مختص به طلاب ایرانی بود، اما وی این امر را برای همه عمومی نمود. [۱۹]

با پرداخت شهریه به همه ی طلبه‌ها، طلاب از ملیت‌های مختلف حتی از قاره آفریقا و جنوب شرق آسیا رهسپار نجف اشرف شدند و تعداد دانش جوین دین به هفت هزار نفر رسید. [۲۰] این گسترش منحصر به حوزه نجف نشد و حتی به حوزه‌ی قم نیز سرایت کرد. در گزارشی از ساواک آمده که: «پس از شروع پرداخت شهریه ی آیت الله حکیم به طلاب تعداد محصلین حوزه نسبت به سابق یک چهارم افزایش یافته است تا جائیکه در هیچ یک از مدارس حوزه جای خالی وجود ندارد و بعضی از محصلین مجرد در خارج از مدرسه منزل گرفته و بسر می‌برند.» [۲۱]

۳- توسعه‌ی سازمان وکالت

سازمان وکالت از ابتکارات امام صادق علیه‌السلام بوده و به وسیله امامان بعدی با توجه به شرایط و موقعیت حاکم افزایش یافت، این شیوه در وکلای خاص و عام امام در اغلب برهه ها به چشم می خورد و هر جایی که برای مرجع فرصت مطلوبی برای ارسال وکلا به مناطق مختلف پیش می آمد به این اقدام مهم دست می زد.

در زمان سید حکیم با رعایت و اهتمام وی تعداد وکلاء بسیار افزایش یافت . وکلای ایشان نه تنها در سراسر عراق بلکه در کشورهای خارج از عراق نیز منتشر شده و رابطه‌ی میان مرجعیت مرکز و شیعیان بسیار تقویت شد.

وکلا در کشورهای خلیج فارس و هند و سوریه و پاکستان و مناطقی از عربستان از جمله قطیف و لبنان پراکنده شده و زمینه را برای گسترش فرامین دینی فراهم نمودند . همچنین هیئتی از طرف حوزه نجف برای نظارت و ارزیابی عملکرد وکلا تشکیل شد.[۲۲]

در آن زمان در عراق و بعضی از کشورها گروه «ملائی» فعالیت داشت. این گروه مردم را با گفتن خرافات به اسم دین به پای منبر کشیده و با روش خود عوام را جذب می کردند.

در پاکستان به «ذاکرین» موسومند و هم اکنون نیز در بخش هایی از پاکستان به فعالیت مشغولند . سید حکیم با توسعه ی شبکه‌ی وکالت خود و ارسال نمایندگان مرجعیت به انحاء مختلف عراق و پاکستان اسلام راستین را به مردم شناسانده و بازار ملائیان را دچار کساد نمود.[۲۳]

از نمایندگان ایشان سید امیر محمد قزوینی در بصره، سید محمد باقر حکیم در کویت، سید مرتضی عسگری و شیخ علی صغیر و شیخ عارف بصری در بغداد، در کاظمین سید اسماعیل صدر، در سماوه شیخ مه دی سماوی، در بعقوبه و موصل شیخ حسین علی موصلی و سید عبدالکریم آل علی خان، در کرکوک سید محمد باقر بادکوبه ای و در نعمانیه شهید سید قاسم شبر فعالیت داشتند.

گاهی این وکلا در زمان حیات ایشان مورد تعرض سلطه ی حاکم قرار گرفته و حتی به شهادت می رسیدند. شیخ محمد باقر جمشید نماینده‌ی مرجعیت در موصل بر اثر سوء قصد به شهادت رسید. شیخ عبدالأمیر آل قسام در شهر «الحی» نیز مورد آزار و اذیت دولت قرار می گرفت. سید علی بحاج و شیخ محمد و شیخ جواد طرفی نیز از این قاعده بی نصیب نماندند.

ص: ۸

در کشورهای دیگر هم شیخ فرج عمران در قطیف سعودی، میرزا احمد آشتیانی در تهران، سید محمد علی قاضی طباطبائی در تبریز، شیخ محمد علی اسلامی در آبادان از وکلا ایران می باشند.

سید غلاب شاه، سید زوار حسین، شیخ غلام مهدی در پاکستان، شیخ حسن یرکوتی در کشمیر از جمله وکلای مرجعیت بودند.[۲۴]

۴- برپایی مراسم مذهبی

تا پیش از زعامت سید حکیم شیعیان در مناسبت‌های ویژه‌ی خود مراسم بزرگ و رسمی نداشته و اگر در جاهایی جشن یا سوگواری برگزار می‌کردند با ضیق و فشار و بدون اظهار معالم آن در معرض ملأ برپایی می‌نمودند، چرا که حکومت متعصب از این شعائر هراس داشت. بعد از تصدی سید حکیم به مرجعیت به تشکیل مراسم مذهبی بسیار توجه کرده و از نظر مادی و معنوی آن‌ها را حمایت کرد.

برپایی مراسم تاریخی ولادت امام صادق علیه‌السلام در مسجد براثا در بغداد از جمله‌ی اقدامات مهم ایشان بود. در این روز مسجد به طرز بسیار زیبایی تزئین شد. مسجد به ده بخش تقسیم شد و در هر بخش ۲۵۰ صندلی به شکل سالم قرار داده شد. صرف‌نظر از طبقه‌ی فوقانی که گنجایش سه هزار نفر داشت. این گردهمایی تاریخی تا نیمه‌های شب ادامه داشت و تأثیر معنوی عمیقی در میان شرکت‌کنندگان برجای نهاد.

همچنین جشن بزرگ میلاد امام حسین علیه‌السلام در بصره با شرکت بی‌نظیر مردم برگزار گردید، در نجف هم میلاد سیدالشهداء علیه‌السلام و در کربلاء جشن میلاد امیرالمؤمنین علیه‌السلام - که رسم شیعه‌ی عراق بود - با شکوه خاصی برگزار می‌شد. [۲۵] کم‌کم این مراسم میعاد حضور شخصیت‌ها حتی متشخصین غیر شیعه گردید. [۲۶]

اهتمام به برپایی شعائر حسینی از سوی مرحوم سیدمحسن حکیم قابل توجه است. از منظر ایشان عاشورا مدرسه‌ی انسان‌سازی و امام حسین علیه‌السلام نماد مقاومت و ایستادگی در برابر ستمکاری است. به باور آیت الله حکیم احیای حماسه‌ی عاشورا ضرورتی حیاتی و اسلامی است. حرکت کاروان‌های دانشجویی در پاسداشت عزاداری سید الشهداء علیه‌السلام با تشویق و تأیید همه‌جانبه‌ی ایشان مواجه شد. هیئت‌های عزاداری دانشگاهیان بغداد با ورود به کربلا مورد استقبال آیت الله سیدمحمدسعید حکیم و در حرم حسینی با خوشامدگویی سید محمد باقر حکیم واقع می‌شد.

ظاهر این هیئت‌ها دینی بود لکن واقعیت امر دیگری بود و تحلیل گران رخدادهای تاریخی و سیاسی پی به ماهیت سیاسی آن برده بودند. مشارکت چهار هزار دانشجو به صورت سازماندهی شده در هیئت‌های عزاداری حسینی امری غیر عادی بود. بی‌جهت نیست که پس از مقابله‌ی حزب بعث عراق با مرجعیت و خصوصاً پس از رحلت ایشان بساط مواکب حسینی برچیده شد.

روزنامه‌ی کویته «السیاسة» برگزاری آن مراسم شکوهمند را بزرگ‌ترین نمایش سیاسی در عراق توصیف کرد. [۲۷]

۵- کردها، فرزندان عراق

کردها پس از عرب‌ها دومین قوم سرزمین عراق را تشکیل می‌دهند. آن‌ها با اینکه شیعه نیستند اما از سوی هم‌کیشان خود درد و رنج و محنت فراوانی تحمل کردند.

تمام رؤسای جمهور عراق با این ملت اقلیت اعلام مبارزه می‌کردند و سعی در از بین بردن آن‌ها داشتند و در زمان عبدالسلام این مسأله پررنگ شد.

در سال ۱۹۶۴ میلادی به دعوت او اجتماع بزرگی از علمای مذهبی اهل سنت و شیعه تشکیل شد که البته اغلب شیعیان از حضور امتناع ورزیدند. موضوع کنگره مسأله‌ی کردها بود، سرانجام چنانکه رئیس‌جمهور می‌خواست دعوت‌شدگان به جواز جنگ با کردها فتوا دادند و از مرجعیت شیعه خواستار تأیید این فتوی شدند.

عبدالجبار اعظمی که برای گرفتن این تأیید نزد مرجع اعلای شیعه آمده بود از خانه بیرون رانده شد. سید حکیم با خشم به او گفت: به چه دلیل جنگ با کردها جایز است؟ وقتی حکومت مرکزی غیر شرعی است چگونه می توان مخالفان آن را یاغی خواند و جواز نبرد با آنها را صادر کرد؟

ص: ۹

یکی از مهم ترین اجتماعات شیعیان در عراق مشارکت عظیم و وسیع در مراسم اربعین حسینی در کربلا است. زعیم حوزه فرصت را مغتنم شمرد و فتوایی دال بر حرمت جنگ با کردها صادر کرد که به وسیله نماینده ی ایشان قرائت شد و این گونه توطئه عبدالسلام را ناکام گذارد.

دفاع قاطع سید حکیم به عنوان مرجع شیعه از برادران مسلمان کرد که در زمره ی اهل سنت به شمار می آیند به تقویت پیوند دوستی و تحکیم بیش تر نهاد حوزه و مرجعیت بلکردها انجامید. [۲۸]

امروزه روابط حسنه ی شیعیان با کردها در عراق بر همان پیوند مرجعیت با کردها و فتوای تحریم قتال با آن ها مبتنی است و کردهای عراق همواره آن حکم را در ذهن سپرده و به مرجعیت شیعه به دیده ی احترام می نگرند. گفتنی است کردهای عراق به پاس قدردانی از حمایت مرجعیت نسبت به کردها، حسینییه ی «حکیم» را در سلیمانیه ساختند. [۲۹]

۶- تأسیس کتابخانه ها

بدون تردید از رموز موفقیت و جاودانگی حوزه ی هزار ساله ی نجف بهره مندی از عالمان فرزانه و کتابخانه های غنی و منحصر به فرد است که به پیشرفت و توسعه ی علوم کمک کرده است.

می توان گفت که نجف اشرف دهکده ی کتابخانه های گوناگون است. سرشناس ترین این کتابخانه ها عبارتند از: مکتبه حیدریه، بحر العلوم، شیخ جعفر، شیخ فخرالدین طریحی، سید عبدالعزیز، نظام الدوله، سید میرزا اصفهانی، نوری، شیخ محمد سماوی، سید جعفر بحر العلوم، امیرالمؤمنین علیه السلام، حسینییه و مکتبه النجف.

اما یکی از بزرگ ترین و غنی ترین کتابخانه هایی که در نجف اشرف تأسیس گردید کتابخانه ی سید حکیم است. در آغاز شروع به کار، کتاب های زیادی با همکاری سید حکیم تهیه و خریداری شد. دیری نپائید شمار کتاب های چاپی به ۱۵۰۰۰ و نسخه های خطی منحصر به فرد به ۲۵۰۰۰ اثر رسید. آمار صعودی کتاب ها و نسخه های خطی همچنان رو به پیشرفت بود.

از خصوصیات این کتابخانه تکثیر و زاینده گی آن است. شاخ و برگ های این درخت تنومند در همه جای عراق پخش شد. این کتابخانه ها به مثابه ی مدرسه ی تربیتی و کانون پرورش فکری عمل می کرد. سید حکیم از سال ها پیش دریافته بود که یکی از راه های نشر معارف و علوم اسلامی تأسیس کتابخانه های عمومی و در دسترس گذاشتن کتب شیعی است تا حقایق عقاید دینی و معارف در دنیا بر همه روشن گردد.

کربلا، کاظمین، بصره، کوت، عماره، محمودیه، کوفه، دیوانیه، شامیه، میسان، قادسیه، کرکوک، موصل، دغاژه، نعمانیه، رفاعی، حله، نا صریه، بعقوبه، خاتقین، غراف، کحلاء، هندیه، هاشمیه، غمّاس، قاسم، مقدادیه، دیالی و ... همه دارای شعبه ای از کتابخانه ی حکیم بود.

این کتابخانه‌ها بخشی از ارتباط مرحوم سیدمحسن حکیم با آحاد مردم عراق بود، کانون هایی برای جذب جوانان و فرزندان عشایر به شمار می آمد و مراکز گسترش فرهنگ اسلامی و اندیشه ی ناب شیعی بود. بسیاری از جوانانی که با این کتابخانه‌ها ارتباط داشتند در سال‌های بعد به گروه‌های مجاهد مذهبی پیوستند.

سید حکیم به ایجاد کتابخانه‌ها در خارج از کشور نیز توجه خاصی مبذول می داشت. در ۳۱ مرداد سال ۱۳۴۰ شمسی کتابخانه‌ای در جا کارتا - پایتخت اندونزی - تأسیس شد. شعبه‌ای نیز در بیروت ساخته شد. در شهر حمص سوریه و کرمانشاه ایران هم احداث کتابخانه در دستور کار قرار گرفت. همچنین شعبه‌ای در بخشی از کتابخانه‌ی الازهر در قاهره نیز دایر گردید. علاوه بر آن در هند، پاکستان و افغانستان نیز کتاب خانه گشایش یافت.

ب. فعالیت‌های خارج از کشور

مهم‌ترین فعالیت‌های مرحوم حکیم در خارج از عراق عبارتند از:

۱- تأسیس بعثه‌ی حج

ص: ۱۰

«مراتب معنوی حج رأس مال زندگی آخرت و جاودانه است. این مراتب معنوی انسان را به افق توحید و تنزیه مقرب می‌سازد. تا زمانی که احکام حج را به شکل صحیح و حرف به حرف انجام ندهیم، به چیزی نخواهیم رسید. پس بر حجاج محترم و علمای معظم و مسئولین کاروان ها واجب است که تمام وقت خود را برای تعلیم و تعلّم مناسک حج مبذول کنند و بر عارفین به مناسک واجب است که همه را کنترل کرده تا کسی از اداء اعمل باز نماند.» [۳۰] امام خمینی (ره)

تا قبل از مرجعیت سید حکیم شیعیان - به جز ایرانیان - بعثه ای برای حج نداشتند، بدین معنی که حجاج شیعه هنگام عزیمت به خانه ی خدا مرشد و راهنمایی نداشتند. سید محسن حکیم (ره) اولین مرجعی بود که بعثه ی حج شیعی تشکیل داد و به مکه معظمه فرستاد و به آن ها دستور داد که با همان عمامه در مسجد الحرام بنشینند تا شیعه با دیدن آن‌ها به سویشان شتافته و مسائلشان را از آن ها جویا شوند. این حرکت موجب شد تا شیعیان دل آرام شده و احساس کنند که یک تکیه‌گاه و سندی محکم پشت آنان است. [۳۱]

۲- نگاه ویژه به علویان

علویان مجموعه‌ای بزرگ از امت اسلام هستند که در ترکیه و سوریه زندگی می‌کنند آنان مؤسس مذهب خود را از امام علی علیه‌السلام می‌دانند و محمد بن نصیر را باب امام عسگری علیه‌السلام می‌پندارند. به هنگام تسلط عثمانیان بر سوریه علویان مورد تعقیب و ضرب و شکنجه قرار گرفتند و به امر سلطان سلیم عثمانی در یک روز شصت هزار تن از آنان به گونه ای فجیع به قتل رسیدند. با تسلط فرانسویان بر سوریه و بیرون راندن عثمانی ها، علویان پس از حدود چهارصد سال توانستند نسیم آزادی را استشمام کنند.

مرحوم سید حکیم توجه ویژه ای به حال و روز آنان داشت و از کمک های مالی به آنان دریغ نمی ورزید. علویان فعلی باورهای مذهبی خود را از امام صادق علیه السلام می دانند، برای خود هیچ گونه اختلافی با امامیه قائل نیستند و تشنه ی استفاده از معارف شیعه هستند.

اولین گام سید محسن حکیم اعزام شیخ حبیب آل ابراهیم به عنوان نماینده ی خود نزد علویان بود. قدم بعدی انتخاب شماری از جوانان علوی و آوردن آن ها برای تحصیل علوم دینی به حوزه ی نجف بود. زعیم حوزه دستورات لازم را برای تهیه ی وسایل سکونت آن ها در نجف و تحصیل در مدارس دینی صادر کرد. دیری نگذشت که علویان صاحب عالمان زبده و اندیشمندان دینی شدند و نسبت به احداث مساجد و مدارس در منطقه ی مسکونی خود اقدام نمودند. [۳۲]

۳- توجه خاص به مسئله فلسطین

از قضایای بسیار مهم عالم اسلامی که ذهن سید حکیم را به خود مشغول ساخته بود مسئله فلسطین بود، به نظر وی قضیه ی فلسطین یک قضیه ی اسلامی است نه عربی صرف، به همین دلیل بر تمام مسلمین دفاع از آن واجب می شد.

در اولین واکنش، سید محسن نامه ی احتجاج آمیزی به سازمان ملل متحد در سال ۱۹۴۸ میلادی نوشت و در آن از اعتراف این سازمان به دولت اسرائیل و پذیرفتن آن به شدت اعلام انزجار می کند.

افزون بر آن، او به تمام حکام سرزمین های اسلامی توصیه به حفظ وحدت و فراموشی اختلافات نمود.

به نظر سید حکیم تنها راه مقابله با اسرائیل جنگ با این دشمن غاصب است نه راه های سیاسی مسالمت آمیز، به همین جهت برای رصرت مسلمین فلسطین همواره ملت ها را تشویق می نمود.

واکنش های ضد اسرائیلی مرحوم حکیم اثر عمیقی در نفوس فلسطینیان نهاد و رابطه ی شیعه و فلسطینیان برای دفاع از این سرزمین را تقویت نمود، شاهد این رابطه زیارت یاسر عرفات بعد از تأسیس سازمان فتح از مرجع بزرگ شیعه در نجف است، که در این دیدار سید محسن حکیم از سازمان فتح حمایت کرده و برای مدد مالی و معنوی به مجاهدین آن درنگ نکرد.

۴- قضیه ی سید قطب

سید قطب از چهره های برجسته ی اخوان المسلمین مصر بود که در زمان ریاست جمال عبدالناصر فعالیت می کرد. در سال ۱۹۵۴ میلادی به دنبال ترور نافرجام عبدالناصر سازمان اخوان المسلمین به توطئه در برابر عبدالناصر متهم گشته و بسیاری از آن ها از جمله سید قطب راهی زندان شدند، سرانجام در سال ۱۹۶۵ میلادی عبدالناصر حکم اعدام سید قطب را صادر کرد. [۳۳]

سید حکیم به دنبال صدور این حکم نامه ای به عبدالناصر نوشت و از وی خواست تا این فرمان را لغو کند.

ص: ۱۱

به نظر ایشان قضیه ی سید قطب یک قضیه ی اسلامی و متعلق به یک حزب اسلامی بود نه صرفاً مسئله ای که تنها متعلق به مصر باشد، به همین دلیل به آن اهتمام ورزید.

بیان مرجع شیعه هرچند در تصمیم عبدالناصر تأثیر عملی نداشت و وی را از این حکم منصرف نکرد اما اعضای اخوان المسلمین را جذب کرده و موجب شد تا به شیعه و مرجعیت به دیده‌ی احترام و تجلیل بنگرند.

۵- سید حکیم و انقلاب اسلامی ایران

حوادث و جریاناتی که در شکل گیری انقلاب اسلامی ایران به رهبری امام خمینی (ره) به وقوع پیوست مورد اهتمام مرجع عالیقدر بوده و به صورت مداوم اوضاع را پیگیری می کرد و به روحانیون و علما در مناسبت های مختلف نامه می نوشت.

همچنین در خصوص صدور قوانین غی‌ردینی از طرف شاه ایران، سید حکیم واکنش تندى نشان می داد و با صراحت از آن اعلام انزجار می نمود.

در ماجراهای مدرسه فیضیه و حوادث مسجد گوهرشاد و مهاجرت علما به عتبات ایشان از جزئیات اوضاع جویا می شده و به آیات عظام و روحانیون از جمله امام خمینی (ره) آیت الله بهبهانی (ره) و... تلگراف می فرستاد. [۳۴]

به نظر سید حکیم ضربه به انقلاب ایران ضربه به مکتب جعفری بود، از این رو با تمام توان تلاش کرد تا کلمه ی حق اعلاء و کلمه‌ی باطل را بطلان برساند، به همین جهت به ایران و تغییرات در آن بسیار حساسیت داشت .

۶- مسافرت های سید حکیم

مرحوم سید محسن حکیم نجف را جز برای ضرورت ترک نکرد . وی به دلیل کثرت مسئولیت ها و فشار وظایف همواره در نجف اشرف به سر می برد. اما در وقت لازم سفرهایی در داخل و خارج از ع راق انجام داده است . در مجموع تعداد مهم ترین سفرهای ایشان از شش مورد تجاوز نمی کند. این موارد به ترتیب زیر است:

(۱) اولین مسافرت در سال ۱۳۳۲ قمری برای جهاد بر ضد استعمارگر انگلیس بود که به شکست مجاهدان انجامید.

(۲) سفر دوم به جبل عامل بود که در سال ۱۳۵۰ قمری بر اثر خستگی مفرط و توصیه‌ی پزشکان صورت گرفت.

(۳) بعد از بازگشت از لبنان بار دیگر ضعف و خستگی شدید بر بدن وی وارد شد و پزشکان برای ایشان سفر را برای استراحت لازم دانستند. از این رو برای بار دوم به جبل عامل رفت که در سال ۱۳۵۳ قمری و به مدت پنج ماه به طول انجامید .

(۴) سفر تاریخی ایشان به خانه ی خدا در سال ۱۳۸۷ قمری، که علاوه بر ادای فریضه ی دینی این مسافرت جنبه ی سیاسی صریحی داشت و به دنبال اشغال فلسطین صورت گرفت . در این سفر ایشان در ایجاد وحدت بین مسلمانان نقش بارزی داشت، مراسم خداحافظی ایشان بسیار باشکوه و عظ یم بود. در آن مراسم، نائب رئیس جمهور، نخست وزیر، وزرای دیگر، سفیر ایران و عربستان، نمایندگان اقلیت های مذهبی و جمهور مردم حضور داشتند، در مکه مکرمه نیز علمای اسلام حاضر در آن جا را دعوت کرده و بر وحدت میان مسلمین تأکید زیادی نمود.

(۵) سفر بزرگ تاریخی به عتبات مقدس در بغداد و سامرا در سال ۱۳۸۳ قمری که نزدیک به یک ماه به طول انجامید.

هدف از این سفر اظهار قدرت مرجعیت و واکنش شدید آن نسبت به اعمال غیرانسانی حکومت أحمد حسن البکر بود، در این سفر هر شهری یا ده و روستایی که موکب سید حکیم به آن می رسید با استقبال پرشور مردم مواجه می شد، شعارها، اعلامیه‌های خوشامدگویی، قصاید و مدایح، تزئین شهر و قربانی کردن گوسفند، همه حاکی از شادی مردم نسبت به حضور مرجع بزرگ خود بود. نتیجه‌ی این مسافرت ضعف حکومت حسن البکر و انصراف وی از مقابله با مرجعیت و شیعه بود.

(۶) آخرین سفر ایشان به لندن برای درمان بود، که در سال ۱۳۹۰ قمری صورت گرفت. در لندن تن به عمل جراحی داد و پس از بهبودی نسبی به بغداد منتقل شد اما به سرعت وضع ایشان رو به وخامت نهاد، سرانجام در روز سه شنبه ۲۷ ربیع الأول همان سال در بیمارستان ابن سینا دار فانی را وداع گفت و سراسر امت اسلامی را به سوگ نشاند.

ص: ۱۲

مراسم تشییع ایشان وصف ناپذیر بود، از کشورهای دیگر عاشقان برای آخرین وداع با پیکر زعیم خود به عراق هجوم بردند و در فراق این رادمرد بزرگ اشک‌های خونین ریختند.

تاریخ عراق تا کنون چنین تشییع را ندیده بود. مراسم فاتحه و ختم هم در همه جای عراق اعم از شهر و روستا برگزار شد و تا روز چهارم ادامه داشت، هنوز هم شاهدان آن مراسم با تعریف از آن روزها تأکید می کنند که آن روز حزن بار هیچگاه از ذهنشان خارج نخواهد شد. [۳۵]

سید محسن ده فرزند پسر و چهار دختر از خود به یادگار گذاشت. همه‌ی فرزندان وی طلبه‌ی دینی و روحانی بوده و به مقامات بالایی رسیده بودند، اما توسط نظام بعث غاصب به شهادت رسیدند و امروز هم تنها یادگار آن مرجع بزرگ سید عبدالعزیز حکیم کوچک‌ترین فرزند می‌باشد، که ان شاء الله سایه‌ی این فرزند برومند بر عراق افکنده باشد.

با روی کار آمدن صدام حسین، ترور علما و روحانیون به اوج خود رسید. در مدت حکومت ظالمانه‌ی وی ۶۵ نفر از خاندان حکیم اعم از مرد و زن، پیر و جوان به شهادت رسیدند و عده‌ای هم سال‌ها در زندان وی به سر برده و شکستجه‌های بسیاری متحمل شدند اما سرانجام با معجزه‌ی الهی آزاد شدند.

نتیجه

با توجه به آنچه که در این تحقیق نوشته شده است می‌توان نتایج زیر را حاصل کرد:

(۱) در زمان حضور معصومین علیهم السلام ایشان به عنوان ملجأ شیعیان به همه‌ی مسائل آنان توجه نموده و همواره در صدد حل مشکلات سیاسی، اجتماعی، اقتصادی، فرهنگی و ... بودند.

(۲) در زمان غیبت صغری شیعیان در تمام کارها به نواب اربعه (وکلا‌ی خاص) امام علیه‌السلام رجوع می‌کردند و از آنان مدد می‌جستند، نواب هم واسطه‌ی میان مردم و امام غایب بودند.

(۳) با شروع دوران غیبت کبری این مسئولیت مهم بر عهده‌ی مراجع بزرگ شیعه که علمای برگزیده و برجسته بودند نهاد شد و آنان بر حسب موقیت و شرایط حاکم تمام زندگی خود را صرف حفظ و ابقای تشیع سپری می‌نمودند.

۴) سید محسن حکیم (ره) از مراجع عظامی است که بعد از رسیدن به مرجعیت مطلق و زعامت حوزه و با توجه به شرایط خفقان حاکم بر عراق، از راه های مختلف سعی در حفظ و گسترش تشیع داشت و در این طریق موفقیت های کم نظیری کسب نمود.

۵) از مهمترین ره آوردهای تلاش سید محسن حکیم افزایش تعداد طلبه های دینی در سراسر عالم اسلام است، رابطه ی حسنه ی میان شیعه و کردها، و بالاخره کسب موقعیتی قدرتمند برای شیعیان و معرفی آنان به سراسر جهان است.

منابع

- ۱- الأسدی، محمد الشی هادی، الإمام الحکیم، مؤسسه آفاق، [بی جا]، ۱۴۲۸ق
 - ۲- بن خلدون، مقدمة ابن خلدون، المكتبة الشاملة، [بی جا]، [بی تا]
 - ۳- ابن داود، رجال ابن داود، قم، الرضی، ۱۹۷۲م
 - ۴- ابن منظور، جمال الدین، لسان العرب، قم، أدب الحوزة، ۱۴۰۵ق
 - ۵- باسیل، نیکیتین، الكرد، باریس، المركز الوطنی الفرنسی، ۱۹۵۶م
 - ۶- تبرائیان، صفاء الدین، احیاگر حوزه نجف (زندگی و زمانه آیت الله حکیم)، تهران، مرکز اسناد انقلاب اسلامی، ۱۳۸۷ش
 - ۷- جمعية المعارف الإسلامية و الثقافية، ابعاد الحج فی کلام الامام الخمينی، جمعية المعارف، [بی تا]
- ص: ۱۳
- ۸- الجوهری، الصحاح، بیروت، دارالعلم، ۱۴۰۷ق.
 - ۹- حسینیان مقدم و جمعی از نویسندگان، تاریخ تشیع، قم، سمت، [بی تا]
 - ۱۰- الحکیم، عبدالهادی، حوزة النجف الأشرف النظام و مشاريع الاصلاح، مؤسسه آفاق، ۲۰۰۷م
 - ۱۱- الحلی، حسن، خلاصة الاقوال، تحقیق جواد القیومی، مؤسسه نشر الفقاهة، ۱۴۱۷ق.
 - ۱۲- خمینی، روح الله، روحانیت و حوزه های علمیه، مؤسسه تنظیم و نشر آثار امام خمینی.
 - ۱۳- خمینی، روح الله، صحیفه ی نور، [بینا]، [بی تا]
 - ۱۴- السراج، عدنان ابراهیم، الإمام محسن الحکیم، بیروت، دارالزهراء، ۱۴۱۴ق
 - ۱۵- شهرستانی، عبدالکریم، الملل و النحل، شبکه مشكاة الإسلامية، Almeshkat.net
 - ۱۶- طالقانی، هدایت الله، مرجعیت، تهران، ارغنون، [بی تا]

- ۱۷- عبیری، عباس، سید محسن حکیم مرزبان حوزه‌ی نور، سازمان تبلیغات اسلامی، [بی‌تا]
- ۱۸- فتح الله، احمد، معجم الفاظ الفقه الجعفری، [بی‌نا]، [بی‌تا]
- ۱۹- القيومی، المصباح المنیر، شبکه‌الاسلام، Alislam.com
- ۲۰- الموصلی، منذر، البعث و الاکراد، لندن، دارالرئیس، ۱۹۹۵م.
- ۲۱- النجاشی، رجال النجاشی، قم، مؤسسه‌النشر الاسلامی، ۱۴۱۶ق.
- ۲۲- سایت Alwikipedia.org
- ۲۳- منبع شفاهی: سید ریاض الحکیم.

-
- [۱]. ابن منظور، جمال الدین، لسان العرب، قم، أدب الحوزة، ۱۴۰۵ق، ج ۸، ص ۱۱۷.
- [۲]. فتح الله، احمد، معجم الفاظ الفقه الجعفری، [بی‌نا]، ص ۳۸۰.
- [۳]. ابن داود، رجال ابن داود، قم، الرضی، ۱۹۷۲م، ص ۲۱۴.
- [۴]. الحلّی، حسن، خلاصة الاقوال، تحقیق جواد القيومی، مؤسسه نشر الفقاهة، ۱۴۱۷ق، ص ۱۹۵.
- [۵]. النجاشی، رجال النجاشی، قم، مؤسسه النشر الاسلامی، ۱۴۱۶ق، ص ۳۲۳.
- [۶]. الحلّی، همان، ص ۱۵۰.
- [۷]. طالقانی، هدایت الله، مرجعیت، تهران، ارغنون، ص ۳۴۴-۳۳۷. فهرست کامل مراجع شیعه‌از عصر غیبت به بعد.
- ص: ۱۴
- [۸]. حسینیان مقدم و جمعی از نویسندگان، تاریخ تشیع، قم، سمت، ص ۳۲۲-۳۱۸.
- [۹]. الأسدی، محمد الشیخ هادی، الامام الحکیم، مؤسسه آفاق، ۱۴۲۸ق، ج ۱، ص ۴۲-۷۹.
- [۱۰]. الأسدی، همان، ص ۱۲۵-۱۳۱.
- [۱۱]. برای اطلاع از بزرگان دیگر ر. ک: تبرائیان، صفاء الدین، احیاگر حوزه نجف «زندگی و زمانه آیت الله العظمی حکیم، تهران، مرکز اسناد انقلاب اسلامی، ۱۳۸۷ش، ص ۲۶۵-۲۲۰.

[۱۲]. تیرائیان، همان، ص ۱۹۸-۳۱۰.

[۱۳]. همان، ص ۱۷۷-۱۷۸.

[۱۴]. خمینی، روح الله، روحانیت و حوزه هیا علمیه از دیدگاه امام خمینی، «پیام امام به روحانیون سراسر کشور ۶۷/۱۲/۳»، مؤسسه تنظیم و نشر امام خمینی، ۱۳۷۴ ش، ص ۸.

[۱۵]. الحکیم، عبدالهادی، حوزه النجف الاشرف، النظام و مضاربع الاصلاح، مؤسسه آفاق، ۲۰۰۷ م، ص ۱۹۵.

[۱۶]. عبیری، عباس، سید محسن حکیم، مرزبان حوزه ینور، سازمان تبلیغات اسلامی، ص ۲۲.

[۱۷]. تیرائیان، همان، ص ۳۳۹-۳۴۸.

[۱۸]. تیرائیان، همان، ص ۲۷۳، به نقل از فرمایشات سنی محمدباقر حکیم.

[۱۹]. مصاحبه با: سید ریاض حکیم فرزند سید محمدسعید حکیم.

[۲۰]. السراج، عدنان ابراهیم، الامام محسن الحکیم، بیروت، دارالزهراء، ۱۴۱۴ ق، ص ۱۰۰.

[۲۱]. همان، به نقل از گزارش ساواک، ص ۱۰۱.

[۲۲]. ریاض الحکیم، «منبع شفاهی»

[۲۳]. الأسدی، همان، ج ۱، ص ۲۷۴.

[۲۴]. برای اطلاع از فهرست وکلاء، رک: تیرائیان، همان، ص ۳۲۸-۳۳۱.

[۲۵]. تیرائیان، ص ۳۱۸-۳۱۹.

[۲۶]. سید ریاض حکیم، منبع شفاهی.

[۲۷]. تیرائیان، همان، ص ۳۲۰-۳۲۲.

[۲۸]. عبیری، همان، ص ۶۹-۷۱. نیز: تیرائیان، همان، ص ۴۳۳-۴۳۵. نیز: برای اطلاع بیشتر از کردها و امور مرتبط به آنان، رک: باسیل، نیکیتین، الکرد، باریس، المركز الوطنی الفرسینی، ۱۹۵۶ م.

[۲۹]. برای آگاهی از رفتار بعث و حکومت با کردها، ر. ک: الموصلی، منذر، البعث و الدکرد، لندن، دارالریس، ۱۹۹۵ م، ص ۱۶۵ به بعد.

[۳۰]. جمعیه المعارف الاسلامیه و الثقافیه، ابعاد الحج فی کلام الامام الخمینی، جمعیه المعارف، ص ۱۱.

[۳۱]. سید ریاض حکیم، منبع شفاهی.

[۳۲]. تیرائیان، همان، ص ۴۷۵-۴۷۷.

[۳۳]. مقاله: سید قطب و جمال عبدالناصر. Al.wikipedia.org

[۳۴]. برای اطلاع از این نامه‌ها، رک: الاسدی، همان، ص ۲۶۶-۲۷۹.

[۳۵]. السراج، همان، ص ۳۰-۳۶.

ص: ۱۶